

## انجمن تبلیغی کلیسا و نقش آن در تبلیغ آیین پروتستان در شیراز ۱۹۲۰م/۱۳۳۸ق تا ۱۹۷۸م/۱۳۹۸ق

سلیمان حیدری<sup>۱</sup>

### چکیده

انجمن تبلیغی کلیسا (C.M.S)، از اولین انجمن‌های تبلیغی پروتستان است که در اواخر قرن هجدهم (قرن سیزدهم قمری) در انگلستان شکل گرفت و در اوایل قرن نوزدهم (قرن سیزدهم قمری)، با اعزام هنری مارتین به شیراز در سال ۱۸۱۱م/۱۲۲۶ق، فعالیت تبلیغی خود را آغاز کرد. اگرچه هنری مارتین در اوایل عصر قاجار وارد ایران شد، ولی فعالیت جدی انجمن در شیراز طی دو مرحله در اواخر عصر قاجاری و تمام دوره پهلوی است. در مرحله نخست (۱۹۰۰-۱۹۱۴م/۱۳۱۷-۱۳۳۲ق) به دلیل شرایط سیاسی، فعالیت جاسوسان آلمانی و فضای ضد انگلیسی، پیشرفت چندانی حاصل نشد. در دوره دوم تبلیغ که از سال ۱۹۲۲م/۱۳۴۰ق تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه یافت، مبلغان از سه شیوه مشخص جهت تبلیغ آیین پروتستان استفاده کردند. هدف پژوهش پیش رو نیز همین موضوع، یعنی بررسی شیوه‌های تبلیغی انجمن تبلیغی کلیسا در تبلیغ آیین پروتستان در شیراز است. پژوهش با تکیه بر اسناد موجود در: آرشیو دانشگاه بیرمنگام انگلستان، اسناد مرکز اسناد ملی ایران، مطالعات کتابخانه‌ای و نیز تحقیقات میدانی (مصاحبه) به روش توصیف همراه با تحلیل انجام شده است. یافته‌های پژوهش، حاکی است اگرچه انجمن در سه حوزه درمان (تأسیس بیمارستان مرسلین)، خدمات آموزشی (تأسیس

۱. استادیار، گروه تاریخ دانشگاه شیراز، soleymanheidari@shirazu.ac.ir

پذیرش: ۹۷/۳/۲۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۲۰

دبیرستان مهرآیین) و بنای اماکن مذهبی (کلیسای شمعون و کلیسای قلات) فعالیت داشت، ولی به دلیل ساختار مذهبی شیراز، حاکمیت غالب دین اسلام و محدودیت ارتباط بین مبلغان و مردم، موفقیت چندانی در تغییر نگرش دینی مردم به دست نیاورد.

## واژگان کلیدی

مرسلین، انجمن تبلیغی کلیسا، شیراز، پروتستان، کلیسای شمعون گیور.

## مقدمه

در تاریخ معاصر ایران، فارس به عنوان کانون فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی جنوب کشور دارای اهمیت ویژه‌ای برای حاکمان محلی و قدرت‌های اروپایی، به‌خصوص کشور بریتانیا بوده است. این کشور، از اواخر قرن هجدهم میلادی به طور مداوم در مرکز ایالت فارس (شیراز) و جنوب ایران حضور فعال داشت و طی قراردادهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵/م۱۳۲۵-۱۳۳۳ق، از یک طرف، کل محدوده جغرافیایی ایالت، یعنی فارس کنونی، بنادر ساحلی خلیج فارس از هرمزگان تا بوشهر را تحت نفوذ خود قرار داد و از طرف دیگر، تلاش کرد با حمایت از برخی طوایف محلی مثل ایل خمسه، تأسیس پلیس جنوب و استقرار کنسول‌گری در برخی از شهرهای این ایالت از جمله در شیراز، منافع سیاسی و اقتصادی خود را تأمین کند.

فعالیت‌های دولت بریتانیا در جنوب ایران، فقط محدود به اقدامات سیاسی و اقتصادی نبود؛ بلکه این کشور تلاش کرد از قرن نوزدهم به این سوی، فضای دینی ایالت فارس از جمله شیراز را نیز به سوی مسیحیت سوق دهد و به همین دلیل، در قرن نوزدهم چندین مبلغ پروتستان از جمله: هنری مارتین، پیترگوردون، ژوزف ولف و ژاکوب ساموئل وارد شیراز شدند و تلاش کردند آیین پروتستان را در بین ساکنان شهر تبلیغ کنند که به دلیل مسلمان بودن اکثریت قریب به اتفاق مردم شیراز، بدینی نسبت به فعالیت انگلیسی‌ها و تلقی از آنان به عنوان جاسوس، تبلیغ مستقیم مسیحیت و واکنش علما و مردم، توفیق چندانی نداشتند و مبلغان بدون دستیابی به موفقیت، شیراز را ترک کردند. ناکامی مبلغان پروتستان در جذب مسلمانان شیراز به مسیحیت از یک طرف، و سال‌ها تجربه و آزمایش و شناخت وضعیت اجتماعی این شهر جهت تبلیغ آیین پروتستان از سوی دیگر، انجمن تبلیغی کلیسا را وادار به تغییر رویکرد و شیوه در تبلیغ آیین پروتستان کرد و آنان متقاعد شدند برای پیشرفت در تبلیغ و جذب، اولاً پایگاه دائمی تبلیغ در

شیراز تأسیس کنند و ثانیاً، در شیوه‌های تبلیغاتی خود تغییراتی دهند؛ به طوری که مبلغان از تبلیغ مستقیم بپرهیزند و تبلیغ را از طریق غیرمستقیم و از راه ارائه خدمات اجتماعی پیش ببرند. هدف پژوهش پیش روی نیز همین موضوع، یعنی بررسی شیوه‌های تبلیغی انجمن تبلیغی کلیسا و میسیونرهای پروتستان در شیراز و اطراف آن است.

این پژوهش، با تکیه بر اسناد موجود در بایگانی دانشگاه بیرمنگام انگلستان، اسناد مرکز اسناد ملی ایران، مطالعات کتابخانه‌ای و نیز تحقیقات میدانی (مصاحبه) به روش توصیف همراه با تحلیل انجام شده است. پیشینه پژوهش نشان می‌دهد تاکنون در خصوص فعالیت میسیونرهای پروتستان و انجمن تبلیغی کلیسا در شیراز، پژوهشی در قالب مقاله و کتاب کمتر صورت گرفته است. اگرچه صفورا برومند و ویدا همراز، در دو اثر ارزشمند به فعالیت مبلغان مسیحی در ایران پرداخته‌اند، ولی کتاب برومند در خصوص فعالیت انجمن تبلیغی کلیسا در عصر قاجاری است؛ در حالی که آغاز رسمی فعالیت انجمن مذکور در شیراز، از اواخر عصر قاجاری و تا پایان عصر پهلوی است. همچنین، همراز گرچه پژوهش خود را تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه می‌دهد، اما به دلیل در دست نداشتن اطلاعات در حوزه شیراز، فقط اشاره‌ای مختصر به فعالیت یکی از مبلغان، یعنی دکتر شارپ کرده است. بنابراین، با توجه به خلأ پژوهش در این زمینه و اهمیت موضوع، این پژوهش به دنبال پاسخ به سؤالات ذیل است:

۱. انجمن تبلیغی کلیسا به چه دلیل در شیراز تأسیس شد؟ و شیوه‌های آن برای تبلیغ مسیحیت چه بود؟

۲. انجمن برای تبلیغ آیین پروتستان با چه مانع یا موانعی مواجه بود؟

۳. انجمن تا چه اندازه توانست مردم را به پروتستان جذب کند؟ و علل موفقیت یا عدم موفقیت انجمن در این زمینه چه بود؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، مقاله به دو بخش تقسیم می‌شود؛ در بخش اول، به زمینه‌های شکل‌گیری پایگاه دائمی انجمن تبلیغی کلیسا در شیراز اشاره می‌کنیم و در بخش دوم، به شیوه‌های تبلیغی انجمن در شیراز و اطراف آن می‌پردازیم.

#### ۱. زمینه‌های شکل‌گیری پایگاه دائمی انجمن تبلیغی کلیسا در شیراز

انجمن تبلیغی کلیسا (C.M.S)، از اولین انجمن‌های تبلیغی پروتستان است که از سال‌های آغازین تأسیس در اواخر قرن هجدهم میلادی، همواره در صدد بود که امکانات موجود برای

فعالیت در سرزمین‌های شرقی را بررسی کند و در اولین فرصت مناسب، مبلغان مذهبی را به آن مناطق بفرستد. سرانجام در اولین دهه قرن نوزدهم میلادی، با سفر هنری مارتین به شیراز و ایران، انجمن اولین گام را برای نیل به مقصد مذهبی و تبلیغی خود برداشت و سفرهای مکرر سایر مبلغان منفرد (مستقل) به شرق، خاصه ایران، اعضای انجمن تبلیغی کلیسا را به آزمایش امور تبلیغی در این کشور برانگیخت. انجمن به دلیل ساختار مذهبی ایران و حاکمیت غالب دین اسلام و تعصب مسیحیان بومی و سایر اقلیت‌های دینی در حفظ آیین خویش، بخش عمده فعالیت خود را در هندوستان متمرکز کرد و در عین حال، برای حفظ حلقه‌های ارتباطی خود و امکان تأمین منافع بریتانیا در ایران، فعالیت در این کشور را مد نظر داشت. با این حال و با وجود اعزام مبلغان منفرد، هیچ‌گاه درصدد تأسیس یک پایگاه ثابت در ایران برنیامد (برومند، ۱۳۸۱: ۱۳۵-۱۳۶)؛ زیرا از زمان اعزام اولین مبلغان منفرد پروتستان به ایران، یعنی دکتر سی. اف. دبلیو. هوچر<sup>۱</sup> و دکتر جوهانس رافر<sup>۲</sup> در ۱۷۴۷ م/ ۱۶۰ ق تا آخرین مبلغ، یعنی ژوزف ولف در ۱۸۳۴ م/ ۱۲۵۰ ق، به نتایج دلخواهی دست پیدا نکرده بود. با وجود این، در طی این ۸۷ سال، تجارب مفیدی از اوضاع دینی و اجتماعی ایران به دست آورده و اطلاعات بسیاری برای امکان تبلیغ در ایران جمع‌آوری کرده بود. سرانجام با بررسی تجارب گذشته و ارزیابی امور و تغییر شیوه تبلیغ، انجمن اولین گام را در سال ۱۸۶۹ م/ ۱۲۸۵ ق برای فعالیت در ایران برداشت و رابرت بروس<sup>۳</sup> را به جلفای اصفهان فرستاد. بروس، چند سالی را در خدمت هیئت مرسلین مسیحی در هند گذرانده بود و اقامتش در اصفهان با شیوع قحطی و وبا در این شهر مصادف شد. او و همسرش رهبری امور دستگیری مردم، به‌خصوص ارمنیان را بر عهده گرفتند. آنان اعتباراتی را که مردم انگلیس در اختیار بنیاد کمک به ایرانیان می‌گذاشتند، در اختیار داشتند. بروس به عنوان بخشی از این کار، ایجاد پرورشگاه و مدرسه فنی را برای کودکان ارمنی و مسلمان آغاز کرد. او فعالیت خود را در جلفا ادامه داد، تا اینکه هیأت مرسلین تصمیم گرفت تسهیلاتی برای هیأت مرسلین در اصفهان فراهم آورد. از این‌رو، پزشکی فارغ‌التحصیل از ادینبرو به نام ای. اف. هورنل<sup>۴</sup> را به اصفهان فرستاد. پیش از آن، تنها بروس و همسرش کارها را اداره می‌کردند. آقا و خانم

---

۱. C. F. W. Hoecher.

۲. Johannes Rueffer.

۳. Robert Bruce.

۴. E.F.Hoernle.

بروس با کمک معلمان ارمنی در جلفا، یک مدرسه پسرانه و یک مدرسه دخترانه تأسیس کردند. در ۱۸۷۲م/۱۲۸۹ق، با وجود مخالفت‌های محلی، بروس زمین وسیعی خرید و مقر هیئت، به شهر اصفهان انتقال یافت و وی تأسیسات خود را در آنجا مستقر ساخت (رایت، ۱۳۵۷: ۱۱۵) و سه سال بعد، یعنی در سال ۱۸۷۵م/۱۲۹۲ق، با ورود اولین هیئت از مبلغان، پزشکان و پرستاران، انجمن تبلیغی کلیسا کار خود را به طور رسمی در اصفهان آغاز کرد (Waterfield, 1973: 150-151).

فعالیت انجمن به مدت ۲۰ سال در جلفای اصفهان ادامه یافت؛ تا اینکه رابرت بروس و همکارانش که از پیشرفت کار راضی بودند، درصدد برآمدند شعبی دیگر از انجمن را در سایر شهرهای ایران تأسیس کنند؛ ولی قبل از هر گونه فعالیت، در مجمع سال ۱۸۹۵م/۱۳۱۳ق حوزه فعالیت خود با مبلغان آمریکایی را مشخص کردند. اگرچه به سبب کمبود منابع موثق، از چگونگی و محل برگزاری این مجمع اطلاع کاملی در دست نیست، ولی نکته حایز اهمیت در این مجمع، حضور مبلغان انگلیسی و آمریکایی است. در این دوره، مبلغان فرانسوی نیز در ایران فعالیت می‌کردند؛ ولی این گروه، در مجمع شرکت نکردند و محدوده‌ای برای فعالیت آنان در ایران نظر گرفته نشد. این امر احتمالاً از اختلافات بین مبلغان آمریکایی و فرانسوی مقیم آذربایجان نشئت می‌گرفت. از سوی دیگر، مبلغان انگلیسی و آمریکایی از فرق آیین پروتستان بودند و در آرا و عقاید مذهبی با یکدیگر تفاهم داشتند. به‌هرحال، طبق مصوبات مجمع قرار شد حوزه فعالیت مبلغان پروتستان انگلیسی، در نیمه جنوبی مدار سی و چهار درجه، و حوزه فعالیت مبلغان آمریکایی در نیمه شمالی مدار مذکور باشد (Laster, 1973: 98). پس از توافق، رابرت بروس از انجمن تبلیغی کلیسا در لندن درخواست کرد طبق رویکرد جدید، مبلغانی به شهرهای شیراز، کرمان و یزد بفرستد. انجمن کلیسا با خواسته بروس موافقت کرد و شعبه‌های انجمن به ترتیب در شهرهای: کرمان ۱۸۹۸م/۱۳۱۴ق، یزد ۱۸۹۸م/۱۳۱۵ق و شیراز ۱۹۰۰م/۱۳۱۸ق تأسیس شد (Richter, 1910: 330).

انتخاب شیراز جهت فعالیت تصادفی نبود؛ اعضای انجمن با کمک گزارش‌هایی که مبلغان در سراسر دوره قاجار از این شهر تهیه کرده بودند، از وضعیت دینی و اجتماعی شیراز آگاهی داشتند و به‌خوبی می‌دانستند فضای دینی موجود در شیراز، مانع جدی در راه تبلیغ آیین پروتستان است (Waterfield, 1973: 92). علاوه بر این، آنان از نقش بی‌بدیل عالمان دینی در تحریک مردم علیه امتیاز رژی که برای اولین بار از شیراز شروع شد، آگاهی داشتند (سعیدی سیرجانی،

۱۳۶۱: ۳۷۶) و نیز می‌دانستند صرفاً از طریق تبلیغ صرف، قادر نیستند فضای دینی ایالت را به نفع سیاست‌های استعماری کشور متبوع خود تغییر دهند. با وجود این، مصمم بودند با تأسیس یک پایگاه دائمی و تغییر رویکرد تبلیغی، اهداف خود را پیش ببرند.

## ۲. تأسیس انجمن تبلیغی کلیسا در شیراز (۱۹۰۰ م/ ۱۳۱۸ ق)

با بررسی اسناد می‌توان فعالیت‌های انجمن تبلیغی کلیسا در شیراز را به دو دوره تقسیم کرد: دوره نخست، از ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۴ م/ ۱۳۱۷ تا ۱۳۳۲ ق را دربرمی‌گیرد. آغاز دوره دوم، از سال ۱۹۲۲ م است و در این دوره اخیر است که شیوه‌های تبلیغی انجمن عملیاتی شد. در دوره نخست، مبلغانی مثل: والتر رایس<sup>۵</sup>، ویلیام تیسدال<sup>۶</sup>، چارلز استیلمن<sup>۷</sup>، آرتور بلاکت<sup>۸</sup>، ویلیام والکر<sup>۹</sup>، ناپیر مالکوم<sup>۱۰</sup>، جیمز هنری<sup>۱۱</sup>، ادوارد جیمز<sup>۱۲</sup> در کنار دکتر دونالد ویلیام کار<sup>۱۳</sup> و پرستارانی چون گرتروود استوارت<sup>۱۴</sup> به شیراز اعزام شدند (C.M.S, 1900-1915: XXXV, XXXVI) و طی نُه سال به صورت پراکنده و رفت‌وآمد بین شیراز، اصفهان، یزد و کرمان، مشغول تبلیغ آیین پروتستان در پوشش ارائه خدمات آموزشی و درمانی شدند؛ اما پیشرفت چندانی در فعالیت خود به دست نیاوردند و ارائه خدمات متوقف شد (cash, 1930: 54). ویلسون کش<sup>۱۵</sup>، علت توقف فعالیت را کمبود پرسنل ذکر کرده است (Ibid: 54) که درست به نظر نمی‌رسد؛ زیرا در همان زمان، تعداد زیادی مبلغ، پرستار و پزشک در شهرهای وابسته به انجمن در کرمان، اصفهان، یزد و اصفهان حضور داشتند (C.M.S, 1900-1915: xxix, lxxviii) و انجمن می‌توانست با

۵. Walter Rice.

۶. William Tisdall.

۷. Charles Stileman.

۸. Arthur Blackett.

۹. william Walker.

۱۰. Napier Malcolm.

۱۱. James Henry.

۱۲. Edward James.

۱۳. Donald Willam carr.

۱۴. Gertrude Stuart.

۱۵. w. Cash.

استعانت از سایر شعبه‌ها، کمبود خود در زمینه پرسنل را رفع کند. تأمین پرسنل درمانی از سایر حوزه‌های تبلیغی، از این حیث مهم است که شیراز در این دوره زمانی، دچار بیماری‌های عفونی مثل وبا شده بود و کمک مبلغان آموزش‌دیده در حوزه درمان می‌توانست در رفع و کاهش امراض عفونی کمک کند که با خروج بیشتر اعضای انجمن از شیراز، شهر بی‌دفاع ماند.

خروج میسیونرهای پزشک از شیراز، به دلایل مختلفی صورت گرفت که با استناد به برخی از شواهد می‌توان آن را اثبات کرد. نکته اول آنکه خروج انگلیسی‌ها از شیراز سابقه داشت و آنان در سال ۱۹۰۴م/۱۳۲۲ق به دلیل شیوع وبا در شهر به خارج از شیراز نقل مکان کردند (wills, 1969:268). دلیل دوم، با وضعیت نامناسب سیاسی و فضای ضد انگلیسی در شیراز در سال‌های قبل از جنگ جهانی اول مرتبط است. جاسوس‌های آلمانی در همه جای فارس حضور داشتند (حضور واسموس در ۱۹۱۳م/۱۳۳۱ق در بوشهر) و به شدت علیه انگلیسی‌ها فعالیت می‌کردند (Rice, 1933:184) و اکثر اعضای انجمن، به دلیل خطرات جانی، شیراز را ترک کردند. البته شایان ذکر است که برخی از اعضای انجمن مثل دکتر کار و کشیش جی.اچ. لیتون<sup>۱۶</sup>، در فارس باقی ماندند و با سفر به مناطق عشایری (Waterfield, 1973:162-163) و ملاقات با صولت الدوله تلاش کردند از یک طرف عشایر قشقایی را با سیاست‌های انگلیس همراه کنند و از طرف دیگر، با تبلیغ آیین پروتستان، آنان را به سوی مسیحیت سوق دهند که به دلیل بافت سنتی عشایر و عدم همراهی خان قشقایی با سیاست‌های استعماری دولت انگلیس، به نتیجه نرسیدند. به‌هرحال، طبق اسناد موجود در دانشگاه بیرمنگام، در سال‌های جنگ جهانی اول به جز پزشک انگلیسی مقیم تلگرافخانه، هیچ پزشک یا کشیش انگلیسی در شیراز حضور نداشته است (C.M.S, 1900-1921: lxxviii).

پس از پایان جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۸م/۱۳۳۶ق، با وجود فعالیت مبلغان در یزد، کرمان و اصفهان، امکان فعالیت در شیراز تا سال ۱۹۲۲م/۱۳۴۰ق فراهم نشد. در این سال، با بازنشسته شدن پزشک اداره تلگرافخانه انگلیس در شیراز، اداره مذکور از انجمن تبلیغی کلیسا که در اصفهان، یزد و کرمان فعال بود، درخواست کرد (Waterfield, 1973:165) نظارت بر سلامت کارکنانش را بر عهده گیرد. انجمن با درخواست اداره تلگرافخانه موافقت کرد و با این موافقت، دوره دوم فعالیت اعضای انجمن در سال ۱۹۲۲م/۱۳۴۰ق با سه شیوه مشخص استمرار

۱۶. J.H.Linton.

یافت:

## ۲-۱. تبلیغ آیین پروتستان در قالب ارائه خدمات درمانی و بهداشتی

در مباحث گذشته، به این نکته اشاره شد که در سال ۱۸۷۵م/۱۲۹۲ق انجمن تبلیغی کلیسا به دلیل عدم دسترسی به نتایج مشخص در تبلیغ آیین پروتستان، رویکرد تبلیغی خود را تغییر داد و تلاش کرد به صورت غیرمستقیم به تبلیغ آیین پروتستان بپردازد. یکی از این شیوه‌ها، تبلیغ مسیحیت در پوشش ارائه خدمات بهداشتی و درمانی بود. این شیوه، نسبت به دو شیوه دیگر که در ادامه به آن اشاره خواهیم کرد، بیشترین فرصت را در اختیار مبلغان قرار داد تا به تبلیغ آیین پروتستان بپردازند؛ زیرا این شیوه از یک طرف با واکنش کمتری از سوی عالمان دینی مواجه می‌شد و از طرف دیگر، مبلغان می‌توانستند بدون آنکه سراغ قشرهای مختلف اجتماعی بروند، هر روزه پذیرای مردمی شوند که جهت درمان به آنان رجوع می‌کردند. اهمیت این شیوه، هنگامی بیشتر روشن می‌شود که بدانیم در دوره دوم فعالیت انجمن در شیراز، هیچ درمانگاه و بیمارستانی به شکل نوین فعالیت نمی‌کرد و بیماران برای رفع امراض خود، به حکیمان محلی که بهره‌ای از دانش جدید نداشتند، رجوع می‌کردند و غالباً به دلیل آنکه این حکیمان تخصص لازم را نداشتند، جان خود را از دست می‌دادند (Stuart, n.d.7). به‌رحال، با درخواست اداره تلگرافخانه و موافقت انجمن، دوره دوم فعالیت شروع شد و انجمن دکتر کار را به شیراز فرستاد. دکتر کار چنان‌که در مباحث قبلی اشاره کردیم، مدت ۹ سال در فارس مشغول فعالیت بود و این بار از فرصت به‌دست‌آمده استفاده کرد و به اتفاق دکتر استورات، ایس ورنیدر (پرستار) و آنهارتنل<sup>۱۷</sup> (مبلغ)، رهسپار شیراز شد. اعضا در باغ تلگرافخانه مستقر شدند (carr, 1928:319) و توانستند با تأسیس درمانگاهی کوچک فعالیت خود را برای بار دوم آغاز کنند. فعالیت در درمانگاه، شش ماه ادامه یافت و در این مدت، مری برد<sup>۱۸</sup> نیز داروخانه‌ای نیز در کنار درمانگاه تأسیس کرد (فلور، ۱۳۸۵: ۲۵۹) و به صورت رایگان، دارو را در اختیار مردم قرار می‌داد.

فعالیت در درمانگاه به‌خوبی پیش نمی‌رفت. از یک طرف، حاکم محلی رفت‌وآمد مردم به باغ تلگرافخانه را که وابستگی آن به انگلیس محرز بود، خوش نداشت (carr, 1928:319) و از سوی دیگر، امکان ارتباط همه‌جانبه برای مسیون پزشکی که از این راه هدفی جز تبلیغ آیین

---

۱۷. Anna hartnell.

۱۸. Mary Bird.

پروتستان نداشت، فراهم نبود. به دلیل محدودیت‌های ورود به باغ تلگرافخانه و رفع هرگونه سوء تفاهم، چاره‌جویی شد. دکتر کار تصمیم گرفت فعالیت را به خارج از باغ تلگرافخانه منتقل کند. طی قراردادی ده‌ساله، خانه‌ای در سطح شهر اجاره شد و فعالیت در آن به عنوان مریض‌خانه ادامه یافت. مراجعه به مریض‌خانه، بی‌سابقه و روزانه پذیرای بیش از ۲۵۰ بیمار بود. ارائه خدمات به صورت رایگان بود و ازدحام جمعیت به قدری زیاد بود (cash, 1930:48; Waterfield, 1973:166) که ویلسون کش در بازدید از مریض‌خانه آن را بسیار وحشتناک توصیف کرده است. وی که در سال ۱۹۲۸م/۱۳۴۶ق از سوی انجمن تبلیغی کلیسا، مأمور تهیه گزارش از وضعیت میسیونرهای انگلیسی در نیمه جنوبی ایران شده بود، در می سال ۱۹۲۸م/ذی‌الحجه ۱۳۴۶ق هنگام بازدید از مریض‌خانه در شیراز، در کتاب *ایران قدیم و جدید* می‌نویسد: هنگامی که مریض‌خانه باز می‌شد، مردان در یک اتاق و زنان در اتاق دیگری پذیرش می‌شدند که این عمل، به دلیل ازدحام جمعیت و هجوم تأثرآور و رقت‌آمیز بیماران به‌راحتی امکان‌پذیر نبود. یک پرستار مبلغ پروتستان، درحالی که نفس نفس می‌زد، سعی می‌کرد به‌راحتی برای بیماران صحبت کند. مردم با سروصدای زیاد قصد دیدن دکتر را داشتند. در پایان ملاقات با دکتر، عده‌ای به خانه‌هایشان بازمی‌گشتند و عده‌ای در مریض‌خانه به دستور دکتر برای عمل جراحی بستری می‌شدند. مردمانی که از سوی قبایل به بیمارستان آمده بودند، با خشونت رفتار می‌کردند و به‌ندرت از سوی آنان مهربانی دریافت می‌شد. یک دکتر مسیحی با آنان صحبت می‌کرد و به آنان آموزش‌های لازم در خصوص بیماری‌شان را می‌داد (cash, 1930:48-50).

با وجود مساحت کم مریض‌خانه و مراجعه دویست‌وپنجاه مریض در روز، فعالیت درمانی و تبلیغی به مدت ۹ سال توسط دکتر کار، دکتر ایمیلین استورات<sup>۱۹</sup> به همراه الیس ورنیدر (پرستار)، ادید توماس<sup>۲۰</sup> (پرستار)، لیلی هن<sup>۲۱</sup> (پرستار)، آناهارتل (پرستار)، جن مور<sup>۲۲</sup> (پرستار) و کاترین هودکینسون<sup>۲۳</sup> (پرستار) ادامه یافت (C.M.S, 1923-1941:xli,xxxix). مریض‌خانه

۱۹. Emmeline Stuart.

۲۰. Edith Thomas.

۲۱. Lylie Henn.

۲۲. Jane Moore.

۲۳. katharine Hodgkinson.

۵۰ تخت بود که به نسبت سایر مراکز انجمن تبلیغی کلیسا مثل: اصفهان (۱۸۰ تخت)، کرمان (۸۰ تخت) و یزد (۸۰ تخت)، فعالیت کمتری داشت (فلور، ۱۳۸۵: ۱۰۶). شاید یکی از اصلی‌ترین دلایل فعالیت کمتر به نسبت سایر مراکز، کمبود فضا بود که با تلاش‌های دکتر کار این مشکل نیز رفع شد. دکتر کار استعداد زیادی در توسعه مراکز درمانی داشت (van Gorder, 1992: 132-134) و در تجاربی که در اصفهان به دست آورده بود، می‌دانست بهترین راه تبلیغ آیین پروتستان، اقدامات عملی از طریق ارائه خدمات اجتماعی و بازتاب آن خدمات در بین توده‌های اجتماعی و جلب توجه آنان به هدف اصلی، یعنی جذب به مسیحیت است. بنابراین، برای اینکه انجمن بتواند خدمات بیشتری ارائه دهد، از متمکنان و شاهزادگان قاجاری کمک گرفت. دکتر کار به دیدن شاهزاده عبدالحسین میرزا فرمانفرما، فرزند نصرالدوله شانزدهمین پسر عباس میرزا نایب السلطنه، در تهران رفت و از وی درخواست کرد برای توسعه مرخص‌خانه در شیراز مساعدت کند. فرمانفرما که در سال‌های ۱۹۱۶ تا ۱۹۲۰ م/۱۳۳۴ تا ۱۳۳۸ ق والی فارس بود (تدین، ۱۳۸۴: ۳۵۴) و با فعالیت‌های درمانی دکتر کار آشنایی داشت، قطعه زمینی را که در خارج از دروازه باغ شاه از غلام‌حسین اعتمادالتجار خریده بود، در آوریل ۱۹۲۴ م/رمضان ۱۳۴۲ ق با هدف تأسیس مرخص‌خانه عمومی وقف کرد و تولید آن را به دکتر کار داد و بعد از ایشان، به رئیس و متصدی مرخص‌خانه مزبور واگذار کرد (اداره اوقاف و امور خیریه، پرونده ۷۸/ع).

پس از واگذاری زمین که مساحتی حدود ۲۲۴۰۰ متر داشت، عملیات ساختمانی آغاز شد. بخشی از هزینه‌های ساخت‌وساز و تجهیزات توسط انجمن تبلیغی کلیسا تأمین شد. بخش تلگراف هند و اروپا (IETD) نیز مساعدت مالی کرد (فلور، ۱۳۸۵: ۲۶۰). دکتر عزیزی در مقاله‌ای به نقل از خاطرات دکتر ذبیح‌الله قربان معتقد است که محمدحسین نمازی، پدر دکتر محمد نمازی نیز برای تأسیس بیمارستان مرسلین مساعدت مالی کرده است (Azizi, 2009: 322) که البته صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا اولاً در گزارش دکتر کار به انجمن در لندن، اشاره‌ای به این موضوع نشده است و ثانیاً آن‌گونه که فلور نیز نقل می‌کند، مساعدت مالی محمدحسین نمازی، نه برای تأسیس بیمارستان مرسلین، بلکه به خانم ماری برد برای تأسیس داروخانه در سال ۱۹۲۳ م/۱۳۴۱ ق بوده است (فلور، ۱۳۸۵: ۲۵۹). به‌هرحال، عملیات ساختمانی بیمارستان مرسلین، در سال ۱۹۳۱ م خاتمه یافت (Richards, 1933: 23-30) و پرسنل درمانی و مبلغان، به ساختمان جدید منتقل شدند و در همین سال (۱۳۴۹ ق) کار

خود را شروع کردند. در هنگام افتتاح بیمارستان، دکتر کار، بانی اصلی بیمارستان مرسلین، در شیراز حضور نداشت و طبق اسناد انجمن، فعالیت وی در سال ۱۹۳۰م/۱۳۴۸ق در این شهر خاتمه یافته است (C.M.S, 1922-1961:xliv).

هنگام آغاز به کار بیمارستان، دکتر ویکتور وان<sup>۲۴</sup> (کشیش) که سال ۱۹۲۸م/۱۳۴۶ق به ایران آمده بود، ریاست بیمارستان را بر عهده گرفت. او اولین رئیس بیمارستان و نخستین کشیشی است که در مرسلین مشغول به کار شد. تمام کسانی که بعد از وی در بیمارستان مشغول به کار شدند نیز کشیش یا مبلغ مذهبی بودند (Waterfield, 1973:166)؛ ولی به عنوان یک آژانس تبلیغاتی عمل نمی‌کردند؛ بلکه هدف و موضوع فعالیت‌های آنان، شبیه آژانس‌های تبلیغاتی و تبشیری بود (Stuart, n.d.6). با وجود این، باید به یک نکته مهم دیگر نیز توجه داشت و آن اینکه، درست است کادر درمانی بیمارستان، میسیونر بودند، ولی فعالیت آنان در حوزه تبلیغ به صورت غیرمستقیم و عمل‌گرایانه بود. در واقع، آنان تلاش داشتند با ارائه خدمات درمانی مناسب و توجه خاص به بیماران و همراهان، توجه آنان را به خود به عنوان یک فرد مسیحی جلب کنند و پس از ایجاد کنجکاوی از طریق یک کنش عملگرا و رفتار درمانی، آنان را به سوی مسیحیت سوق دهند.

در ابتدای فعالیت دکتر وان، افرادی همچون: دکتر استوارت، دکتر الیزابت تئودورا میس و پرستارانی مثل الیس وریندر و لیلی هن، به وی پیوستند (C.M.S, 1922-1961:xliv,xlv). در زمان ریاست دکتر وان بر بیمارستان، همه‌گونه جراحی در شرایط ابتدایی و سخت انجام می‌گرفت و تنها مرکزی که می‌توانست چنین خدماتی در سطح جراحی انجام دهد، بیمارستان مرسلین بود که نه تنها پذیرای بیماران متعددی از شیراز و اطراف آن بود، بلکه توجهی خاص به وضعیت اقتصادی بیماران داشت؛ تاجایی که بیماران بی‌بضاعت مورد توجه و حمایت پرسنل مسیحی بیمارستان، به‌خصوص دکتر وان قرار می‌گرفتند (Ghorban, 1989:3).

فعالیت دکتر وان در بیمارستان مرسلین، به مدت ۲ سال ادامه یافت. وی در سال ۱۹۳۳م/۱۳۵۲ق به همراه همسرش شیراز را ترک کرد. پس از وی، ریاست بیمارستان به خانم دکتر الیزابت تئودورا میس<sup>۲۵</sup> واگذار شد. دکتر میس در سال ۱۹۳۳م/۱۳۵۰ق به عنوان مبلغ آیین

۲۴. Victor Vaughan.

۲۵. Elizabeth Theodora Mess.

پروتستان وارد ایران شده بود (C.M.S, 1922-1961: xiv) و در آغاز سال ۱۹۳۴/م ۱۳۵۳ق جانشین دکتر وان شد. در زمان ریاست دکتر میس بر بیمارستان که تا سال ۱۹۴۱/م ۱۳۶۰ق ادامه داشت، خدمات فراوانی ارائه شد که از مهم‌ترین آنها، خدمات مامایی بود؛ پرسنل بیمارستان توانستند ضمن آموزش به مادران باردار، جان تعداد زیادی از مادران و نوزادان را نجات دهند (Ghorban, 1989: 5) و در عین حال، از تبلیغ آیین پروتستان غافل نمانند. پرسنل غالباً هنگام تحویل نوزادان به مادران، آیات انجیل را زمزمه می‌کردند و به مادران می‌گفتند کتاب مقدس می‌تواند حافظ فرزند شما باشد. علاوه بر این، در دوره میس ساخت کلیسای شمعون داخل بیمارستان شروع شد که در قسمت بعدی به آن اشاره می‌کنیم.

از پزشکان انگلیسی که در دوره دکتر میس مشغول خدمت در بیمارستان شدند، باید از دکتر مری هوگت<sup>۲۶</sup> (کشیش) نام برد که در اواخر ریاست دکتر میس به کادر درمانی بیمارستان پیوست و احتمالاً پس از وی، تا سال ۱۹۴۱/م ۱۳۶۰ق ریاست بیمارستان را به عهده داشت. سوپروایزر بیمارستان، مولی ویلیامز بود و چند پرستار دیگر انگلیسی مثل: الیس ورنیدر، ال.ام و هن با او همکاری داشتند. مولی ویلیامز، پرستار پرکاری بود. او توانست در سال ۱۹۳۷/م ۱۳۵۶ق به کمک یک پرستار آمریکایی به نام آسترلار که توسط علی اصغر حکمت به شیراز فرستاده شده بود، در کنار بیمارستان مرسلین، اولین مدرسه پرستاری در فارس را تأسیس کند (همان: ۱۱). در این مدرسه، افراد بسیاری در زمینه پرستاری تربیت شدند و پس از کسب آموزش‌های عملی از پرستاران و پزشکان انگلیسی، در بیمارستان مرسلین و سایر بیمارستان‌هایی که در دهه چهل در شیراز تأسیس شد، مشغول به کار شدند. البته در تأسیس مدرسه پرستاری، کیهان قربان، دختر دکتر ذبیح‌الله قربان نیز نقش داشت. او اولین پرستار آموزش‌دیده ایرانی بود که در دانشگاه آمریکایی بیروت، تحصیلات خود را تمام کرد و در سال ۱۹۳۷/م ۱۳۵۶ق در مدرسه پرستاری در شیراز مشغول به کار شد (Heydari, Lotfi Fatemi, 2015: 4).

از سال ۱۹۴۱ تا سال ۱۹۴۸/م ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ق، به جز خانم دکتر شارپ (همسر کشیش شارپ) که ریاست بیمارستان را بر عهده داشت (مرکز اسناد ملی ایران، ۱۴۱/۹۸/۲۹۳)، از پزشک انگلیسی دیگری در بیمارستان ذکر نشده است. به احتمال زیاد، اشغال ایران توسط متفقین و وضعیت سیاسی جنوب، در کم‌کاری پزشکان انگلیسی تأثیر داشته است. البته در این دوره زمانی،

۲۶. Mary Howgate.

پرستارانی مثل: ورنیدر، هن و ویلیامز که از مدت‌ها پیش وارد شیراز شده بودند، به خدمت خویش ادامه دادند. در سال ۱۹۴۸ م/ ۱۳۶۷ ق، جراح و مبلغ معروف انگلیسی، کشیش جان کلمن<sup>۱</sup> به همراه همسرش وارد شیراز شد (C.M.S, 1922-1961: 75). او فرزند یک پزشک مبلغ و در دانشگاه کمبریج درس خوانده بود. پس از اتمام تحصیلات، در بیمارستان سن توماس در لندن مشغول فعالیت شد و در سال ۱۹۴۸ م/ ۱۳۶۷ ق به انجمن تبلیغی کلیسا پیوست و در همین سال، به فلسطین فرستاده شد. پس از درگیری اعراب و اسرائیل، به ایران رفت و از سوی انجمن در بیمارستان مرسلین به عنوان جراح عمومی به کار گماشته شد (Osborne, 2003: 1-2). او به محض ورود به شیراز و پس از مدتی کوتاه، به ریاست بیمارستان رسید و فعالیت درمانی - تبلیغی خود را به مدت ۱۶ سال در شیراز ادامه داد. دکتر کلمن، پزشک بسیار فعالی بود. او نه تنها در بیمارستان مشغول ارائه خدمات درمانی بود، بلکه در روزهای دوشنبه هر هفته به اتفاق گروهی از پرستاران و بهیاران بیمارستان به دهات اطراف شیراز می‌رفت و تا پاسی از شب، به تبلیغ و مداوای بیماران می‌پرداخت (مصاحبه با عزیزالله پروتا و مینو پای زرین، ۱۳۹۶).

اقدامات درمانی دکتر کلمن و خدمات عملگرایانه وی، توجه حاکمان محلی را به خود جلب کرد؛ تاجایی که به او شهروند افتخاری شیراز اعطا شد (Bradly, 2008: 162) و این پزشک کشیش انگلیسی، نخستین فرد خارجی است که در شیراز این افتخار را به دست آورد. با وجود این، در عصر دکتر کلمن، تبلیغ آیین پروتستان به اوج رسید. او به یک کشیش نابینا اجازه داده بود جلوی در ورودی بیمارستان بنشیند و علناً تبلیغ پروتستان کند. این کشیش به بیماران و همراهانی که با او صحبت می‌کردند، انجیلی هدیه می‌داد (مصاحبه با خلیل حق نگهدار، ۱۳۹۶). در هنگام ریاست دکتر کلمن بر بیمارستان مرسلین، پزشکان و پرستاران جدیدی از انجمن تبلیغی به وی پیوستند. از جمله پزشکان می‌توان به دکتر ریچارد گاردینر<sup>۲</sup> و از پرستاران می‌توان به: لیلیان کین برت<sup>۳</sup>، رودا کاتلین بایلی<sup>۴</sup>، حنا ویلیامز<sup>۵</sup>، ورا اردلی<sup>۶</sup>، ویون مایلز<sup>۷</sup>، فیلیس مای

۱. John Coleman.

۲. Richard Gardiner.

۳. Lilian Kenn Birt.

۴. Rhoda Kathleen Bayley.

۵. Hannah Williams.

۶. Vera Eardly.

۷. Vivien Mills.

مای اکرم<sup>۱</sup>، آنه ریچاردز<sup>۲</sup> و باربرا جون نایت<sup>۳</sup> نام برد (C.M.S, 1942-1961:62-65). این پزشکان و پرستاران، در درمان امراضی مانند: آب مروارید، تیفوئید و اسهال خونی، تراخم و عوارض آن، بیماری‌های مقاربتی مثل سیفلیس و سوزاک، مالاریا، آبله، دیفتری، گال و اگزما و موارد جراحی مثل فتق، بوآسیر، اماس و دردهای مفصلی نقش داشتند (مرکز اسناد ملی ایران، ۳۰/۱۶۰۷۲/۲۹۳).

در سال ۱۳۸۳/م ۱۹۶۴ ق دکتر کلمن و همسرش پس از ۱۶ سال خدمت درمانی و تبلیغی در شیراز، به دلیل تحصیل فرزندانشان در انگلیس، به کشور خود بازگشتند. دکتر کلمن در حالی شیراز را ترک کرد که در زمان ریاست ایشان، برخی ایرانیان از جمله: مینو پای زرین (استخدام: ۱۳۶۷ ق)، صفویه به آیین (استخدام: ۱۳۶۷ ق)، علی اکبر فرمانی (استخدام: ۱۳۷۷ ق) و عزیزالله پروتا (استخدام: ۱۳۷۷ ش)، پس از اخذ آموزش پرستاری لازم از پرسنل انگلیسی، در بیمارستان مشغول به کار شدند (مصاحبه با پروتا، به آیین، فرمانی، پای زرین: ۱۳۹۶). پس از خروج دکتر کلمن (جراح عمومی)، ریاست بیمارستان به دکتر آلیو پرسیکا شارپ<sup>۴</sup> رسید و پس از وی، دکتر آنتونی آلیور رابرتسون<sup>۵</sup>، دکتر اریک بلیک وایلد<sup>۶</sup> (جراح عمومی) و دکتر کریستین آلیور پن<sup>۷</sup> (متخصص داخلی)، به ترتیب مسئولیت اداره بیمارستان را تا سال ۱۹۸۰/م ۱۴۰۰ ق به عهده داشتند. در کنار پزشکان، پرستاران مبلغ مثل: فیلیس می اکرم<sup>۸</sup>، جوینس گاردن<sup>۹</sup>، موده حنانه ویلیامز، آنه ریچاردز، سوسن هارگریوس<sup>۹</sup>، کاتلین آینس ورد<sup>۱۰</sup>، جن اوستین<sup>۱۱</sup>، تیس آن بروگتن<sup>۱۲</sup>

- 
۱. Phyllis May Akerman.
  ۲. Anne Richards.
  ۳. Barbara Joan Knight.
  ۴. Olive Persica Sharp.
  ۵. Anthony Oliver Robertson.
  ۶. Eric Blake Wild.
  ۷. Christopher Oliver Payne.
  ۸. Joyce Gardsden.
  ۹. Susan Hargreaves.
  ۱۰. kathleen Ainsworth.
  ۱۱. Jane Austin.
  ۱۲. Tessa Ann Broughton.

و مارگرت اوکس<sup>۱</sup>، به کادر درمانی و تبلیغی بیمارستان پیوستند. این پرستاران تا سال ۱۹۸۰م/۱۴۰۰ق به فعالیت خود در بیمارستان مرسلین ادامه دادند (C.M.S, 1962-1979P.O.Box 10:23-24-26-27-33-35-36). در این سال، با توقیف بیمارستان و واگذاری آن به دکتر مرتضی کسرائیان، ایران را ترک کردند.

## ۲-۲. تبلیغ آیین پروتستان در قالب امور فرهنگی و آموزشی

یکی دیگر از شیوه‌های تبلیغ آیین پروتستان در ایران، از جمله شیراز، تأسیس مدرسه و ارائه خدمات آموزشی بود. هدف اصلی انجمن تبلیغی کلیسا از تأسیس مدرسه، جذب، آموزش و اعزام مبلغان جدید بود؛ به عبارت دیگر، در مدارس، دانش‌آموزان ضمن فراگیری دروس متعدد، آموزه‌های دینی - اخلاقی مسیحیت را فرا گرفته و در وهله اول، به خانواده‌های منتقل می‌کنند و در بلندمدت مبلغان غیررسمی مسیحیت در جامعه خواهند بود (همراز، ۱۳۹۱: ۱۸۶). در راستای رسیدن به این هدف، انجمن تبلیغی کلیسا در شهرهای حوزه فعالیتش، از جمله شیراز، اقدام به تأسیس مدرسه کرد. تأسیس مدرسه مسیحی در شیراز سابقه داشت و برای نخستین بار ژوزف ولف تلاش کرد مدرسه‌ای جهت آموزش کودکان ارمنی تأسیس کند که اقدامات او به دلیل عدم همراهی ارمنی‌ها بی‌نتیجه ماند (C.M.S/B/OMS/CBM1). پس از او، انجمن تبلیغی کلیسا مدرسی در شهرهای: اصفهان، کرمان و یزد ایجاد کرد. تأسیس مدرسه در شیراز، تا سال ۱۹۲۸م/۱۳۴۶ق به تعویق افتاد. در این سال، الا مارگرت جرارد<sup>۲</sup> موفق شد در نزدیکی کلیسای شمعون و بیمارستان مرسلین، نخستین مدرسه دخترانه، وابسته به انجمن تبلیغی کلیسا را در شیراز تأسیس کند (C.M.S, 1923-1941: Xi). او برای ادامه کار، از برخی نهادها در انگلیس کمک خواست (C.M.S/G/Y/PE/6) و توانست با دریافت کمک از انجمن جوانان مسیحی در لندن، و همچنین حمایت ابوالقاسم فیوضات، رئیس معارف فارس و همکاری قمرالسلطنه دانشور، تاج الملوک بازارگاد و صغری نمازی، مدرسه را توسعه دهد (امداد، ۱۳۸۵: ۴۲۲). در ابتدا نام مدرسه، دوشیزگان بود و چهار کلاس داشت. در سال ۱۹۳۰م/۱۳۴۸ق تعداد کلاس‌های درس به شش کلاس ابتدایی و سه کلاس متوسطه رسید. در سال ۱۹۳۳م/۱۳۵۲ق دو کلاس دیگر به کلاس‌های متوسطه اضافه شد و نام مدرسه به دبیرستان مهرآیین تغییر یافت و در سال ۱۹۳۶م،

۱. Margaret Oakes.

۲. Ella Margaret Gerrard.

دانش‌آموز داشت (waterfield, 1973: 167-169) که غالب آنان فرزندان مقامات بلندپایه استان بودند؛ هرچند برخی دانش‌آموزان بی‌بضاعت نیز در آن درس می‌خواندند (مصاحبه با ستوده، ۱۳۹۶). الا جرارد در مدرسه زندگی می‌کرد و مواد درسی مدرسه مثل سایر مدارس بود؛ باین تفاوت که در مقاطع ابتدایی، تأکید خاصی بر آموزش زبان انگلیسی می‌شد. در برخی از شعبه‌های مدارس انجمن، از جمله در کرمان، دانش‌آموزان در صبحگاه، دعایی با مضامین مسیحی می‌خواندند (همراز، ۱۳۹۱: ۲۰۲) که احتمال خواندن این دعا در مهرآیین نیز بعید نیست. اگرچه دو دانش‌آموز پسر که در سال ۱۹۴۴م/ ۱۳۶۳ق در مهرآیین درس می‌خواندند، از خواندن چنین دعایی اظهار بی‌اطلاعی کردند (مصاحبه با کامبیز قربان و فرخ اقتداری، ۱۳۹۶). مدرسه در روزهای جمعه و یکشنبه تعطیل بود و در کلاس‌های درس آن، نقشه‌هایی نصب شده بود که در آن، ایران با توجه به قراردادهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ میلادی به مناطق نفوذ روسیه و انگلستان تقسیم شده بود.

در برخی اوقات، فعالیت دبیرستان تحت تأثیر حوادث سیاسی و مخالفت‌های دینی علما قرار می‌گرفت (waterfield, 1973: 169). در جریان ملی‌شدن صنعت نفت و قطع کوتاه‌مدت رابطه ایران و انگلیس، فعالیت دبیرستان موقتاً متوقف شد. البته در این میان، الا جرارد بسیار فعال بود. او برای پیشرفت کار خود ارتباط خوبی با متنفذان محلی و سیاسی برقرار کرده بود و در انتخابات محلی سعی می‌کرد از چهره‌های مورد قبول انگلستان مثل خاندان قوام حمایت کند (روزنامه صدای شیراز، ۱۳۳۰: ۱)؛ حتی گفته شده هنگامی که میدلتون، کاردار سفیر انگلیس به شیراز آمد، الا جرارد هماهنگ‌کننده ملاقات کاردار با برخی از سران عشایر فارس در سال ۱۹۵۲م/ ۱۳۷۱ق بوده است (خلج، ۱۳۹۶: ۴۰۵).

ریاست الا جرارد بر دبیرستان مهرآیین، تا ۱۱ اکتبر سال ۱۹۵۵م/ ۲۳ صفر ۱۳۷۵ق ادامه یافت و پس از این تاریخ، به تهران رفت (روزنامه پارس، ۱۳۳۴: ۲). پس از خروج ایشان از شیراز، مدرسه تحویل کارکنان ایرانی شد (امداد، ۱۳۸۵: ۴۲۲). اگرچه فعالیت‌های تبلیغی در بیمارستان و کلیسا تا سال ۱۹۷۸م/ ۱۳۹۸ق به‌شدت ادامه یافت، اما فعالیت‌های تبلیغی در مدرسه بعد از خروج الا جرارد از شیراز، به‌کلی متوقف شد. زینت مجاب که در سال ۱۹۶۲م/ ۱۳۸۱ق به ریاست دبیرستان رسید، در مصاحبه‌ای با نگارنده تأکید کرد که از زمان ریاستش بر دبیرستان که تا سال ۱۹۷۸م/ ۱۳۹۸ق ادامه یافت، هیچ‌گونه فعالیت‌های تبلیغی وجود نداشته است (مصاحبه با زینت مجاب، ۱۳۹۶).

## ۲-۳. تبلیغ آیین پروتستان از طریق تأسیس اماکن مذهبی (کلیسا)

مبلغان آیین پروتستان در شیراز، به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته نخست، میسیونرهای پزشک و پرستار و به عبارتی، کادر درمانی بودند که به ترتیب در باغ تلگرافخانه، خانه اجاره‌ای و سپس در بیمارستان مرسلین کنشی عملگرایانه داشتند و سعی کردند در پوشش ارائه خدمات درمانی، مسیحیت را تبلیغ کنند. دسته دوم، صرفاً مبلغ آیین پروتستان بودند و در سطح شهر، بیمارستان و در کلیسا فعالیت داشتند. علاوه بر این، تفاوتی دیگری نیز بین این دو دسته وجود داشت؛ مبلغان مذهبی در بین شهرهای یزد، کرمان اصفهان و شیراز رفت‌وآمد داشتند؛ اما میسیونرهای پزشک غالباً در شیراز ساکن بودند. از آغاز فعالیت انجمن در سال ۱۹۰۰ میلادی تا سال ۱۹۱۴ میلادی، کشیش‌هایی مثل: والتر رایس، ویلیام تیسدال، چارلز استیلمن، آرتور بلاکت، ویلیام والکر، ناپیر مالکوم، جیمز هنری، ادوارد جیمز، کشیش کلیفتن و جی. اچ. لیتون (Carr, 1928:319) در شیراز فعالیت تبلیغی داشتند. فعالیت برخی افراد، از جمله کشیش تیسدال، سراسری بود. وی سرپرستی چاپ کتاب مقدس در ایران را به عهده داشت و توانست با حمایت مالی دولت انگلیس، بیست‌هزار جلد انجیل چاپ نماید (برومند، ۱۳۸۱: ۲۲۵) و بخشی از انجیل را در شیراز توزیع کند (مصاحبه با خلیل حق‌نگهدار، ۱۳۹۶). فعالیت تبلیغی به دلایلی که اشاره شد، تا سال ۱۹۲۲ م/ ۱۳۴۰ ق متوقف شد. در این سال، مجدداً کادر پزشکی و مبلغان به شیراز بازگشتند و فعالیت تبلیغی خود را از سر گرفتند. در دوره دوم تبلیغ که تا پیروزی انقلاب ادامه داشت، از تعداد مبلغانی که صرفاً وظیفه تبلیغ را بر عهده داشتند، کاسته شد و بیشتر افرادی که در شیراز مشغول تبلیغ مسیحیت بودند، در مرکز درمانی مرسلین فعالیت داشتند.

اولین کشیشی که پس از بازگشایی مجدد انجمن تبلیغی کلیسا در شیراز فعالیت خود را در آغاز کرد، جان ریچارد<sup>۱</sup> بود (Carr, 1928:319, C.M.S, 1923-1941: XI). او قبل از ورود به شیراز در سال ۱۹۲۷ م/ ۱۳۴۵ ق، معاون کشیش شهر پمبری بود و سپس، به انجمن تبلیغی کلیسا پیوست و تا سال ۱۹۳۶ م/ ۱۳۵۵ ق در شیراز مشغول تبلیغ بود. یکی از مهم‌ترین اقدامات وی، زمینه‌سازی برای ساخت اولین کلیسای پروتستان در شیراز بود. قبل از تأسیس کلیسا، محل عبادت پرسنل مسیحی، یکی از اتاق‌های منزل دکتر استوارت در داخل بیمارستان بود (Cash, 1930:54) که گنجایش کمی داشت. برای برای توسعه فضا و ساختن کلیسا،

---

۱. John Richards.

ریچارد نامه‌ای به اسقف دیوید در انگلیس نوشت و از وی درخواست کمک کرد. اسقف از همه کشیشان حوزه اسقفی خود درخواست کمک کرد و با حمایت آنان، زمین کنار بیمارستان که ملک شاهزاده فرمانفرما و قیمتی حدود ۵۰۰ تا ۷۰۰ پوند داشت، خریداری کردند و عملیات ساختمانی آغاز شد (Carr, 1928: 319-321). در نقشه کلیسا که به کلیسای شمعون غیور شهرت یافت، اتافی برای کشیش، یک اتاق برای پاسخ به سوالات و تعالیم دینی، دو اتاق برای ملاقات مسیحیان سراسر کشور و یک اتاق برای انجمن تبلیغی کلیسا در نظر گرفته شد که هدفش جذب جوانان از سراسر کشور بود (Ibid). عملیات ساختمانی کلیسا در ۲۸ اکتبر ۱۹۳۸ م/ ۴/ رمضان ۱۳۵۷ ق تمام شد و هنگام افتتاح، مسئولیت آن به کشیش نورمن شارپ<sup>۲</sup> واگذار شد (waterfield, 1973: 167). شارپ، یازده سال در یزد اقامت داشت (C.M.S/G/Y/PE/2) و در سال ۱۹۳۶ م/ ۱۳۵۵ ق به شیراز آمد (سامی، ۱۳۶۳: ۶۰۴ - ۶۰۵) و نقش مهمی در تبلیغ آیین پروتستان داشت. در زمان او، کلیسا بسیار فعال بود. گفته شده برخی مریض‌های بیمارستان مرسلین که تحت تأثیر تعالیم مسیح در بیمارستان قرار گرفته بودند، جهت دعا به داخل کلیسا برده می‌شدند (مصاحبه با صدیقه مستفیضی، ۱۳۹۶) و هنگامی که دانش‌آموزان جهت بازدید از کلیسا و بازی فوتبال وارد حیاط کلیسا می‌شدند، جزواتی تبلیغی به آنان اهدا می‌شد (مصاحبه با فصحت، ۱۳۹۶). علاوه بر این، کلیسا پذیرای فرزندان مادرانی بود که برای عیادت و درمان به بیمارستان می‌رفتند و کلیسا سعی می‌کرد با ارائه خدمات فرهنگی مثل کلاس نقاشی، توجه آنان را جلب کند (مصاحبه با افسر امینی‌نژاد، ۱۳۹۶).

فعالیت دینی دکتر شارپ، فقط محدود به شیراز نبود و خارج از شیراز، به خصوص تفرجگاه‌ها را هم دربرمی‌گرفت. یکی از مراکز تفریحی که از گذشته تاکنون پذیرای افراد زیادی است، روستای قلات در غرب شیراز است. شارپ، در این روستا کلیسای کوچکی به نام تجلیل مسیح ساخت (waterfield, 1973: 171) و توانست در دوره فعالیت خود در این کلیسا، عده‌ای از ساکنان این روستا را به آیین پروتستان جذب کند و این نوکیشان پس از مهاجرت به شیراز، بخشی از جمعیت پروتستان مذهب این شهر را تشکیل می‌دهند (مصاحبه با مجتبی میردهقان، ۱۳۹۶).

شارپ تا سال ۱۳۴۵ ش به استثنای مدتی کوتاه که به دلیل مسائل سیاسی اخراج شد، در

۲. Norman sharp.

شیراز مشغول فعالیت تبلیغی بود و حتی مدتی در دانشگاه شیراز (پهلوی) به تدریس فارسی باستان و میانه اشتغال داشت و در نهایت، پس از ۴۳ سال اقامت در ایران، شیراز را ترک کرد (سامی، ۱۳۶۳: ۶۰۴-۶۰۵).

بعد از خروج شارپ، کشیش دیوید نایلور آستربری<sup>۳</sup> و همسرش به شیراز وارد شدند و مسئولیت کلیسای شمعون را بر عهده داشتند. از زمان خروج آنان از شیراز و میزان فعالیتشان در این شهر، اطلاعی در دست نیست. پس از کشیش دیوید، مسئولیت کلیسای شمعون به کشیش ارسطو سیاح واگذار شد و این کشیش تا اوایل پیروزی انقلاب در شیراز ساکن بود و در ۱۹ فوریه ۱۹۷۹م/۲۱ ربيع الأول ۱۳۹۹ش به دست فرد یا افرادی ناشناس کشته شد. گفته شده عوامل ضد انقلاب در قتل او نقش داشتند. (Bradley, 2008: 165).

نکته مهم در روزهای منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی در شیراز، فعالیت شدید کلیساهای خانگی در این شهر بوده است. از چگونگی فعالیت این کلیساهای اطلاعاتی در دست نیست و تنها از اسناد موجود می‌توان به افرادی مثل: مری شیلاکر<sup>۴</sup>، اینا استوارت بورک<sup>۵</sup>، مری تئودورا ایساک<sup>۶</sup> و دورا لوئیس<sup>۷</sup> اشاره کرد که مشغول تبلیغ آیین پروتستان در شیراز بوده‌اند (-C.M.S, 1963: POX 10, 1979).

### ۳. موانع فعالیت‌های انجمن تبلیغی کلیسا در شیراز

اصلی‌ترین مانع فعالیت مبلغان در شیراز، ساختار مذهبی شهر و حاکمیت غالب دین اسلام بود. ویلسون کش که در سال ۱۹۲۸م/۱۳۴۶ق از سوی انجمن تبلیغی کلیسا مأمور تهیه گزارش از وضعیت میسیونرهای انگلیسی در نیمه جنوبی ایران شده بود، در می سال ۱۹۲۸م/ذی‌الحجه ۱۳۴۶ق صراحتاً به مانع اصلی تبلیغ در شیراز اشاره کرده و می‌نویسد: «در شهر ۵۰ هزار نفری که ساکنانش هر روز از طرف مساجد کوچک و بی‌شمار به اسلام (نماز) فرا خوانده می‌شوند، چگونه جذب مسیحیت شوند؟» (cash, 1930: 23-30).

۳. David Naylor Austerberry.

۴. Mary shillaker.

۵. Ena stuart Burke.

۶. Mary Theodora Isaac.

۷. Dora Louisa.

صرف‌نظر از فضای دینی و غلبه دین اسلام در شیراز، موانع دیگری نیز وجود داشت؛ مردم شهر به اروپاییان و انگلیسی‌ها بی‌اعتماد بودند و اعتقاد داشتند آنان در پشت اقدامات خود در شهر، اهداف سیاسی را دنبال می‌کنند (همان). البته سوءظن و بی‌اعتمادی، فقط خاص این دوره (پهلوی) نبود؛ مردم به هنری مارتین نیز که در اوایل قاجاریه به شیراز سفر کرد، سوءظن داشتند و وی را جاسوس انگلیس می‌دانستند (waterfield, 1973:92).

همچنین، سوءظن به فعالیت پزشکان و مبلغان انگلیسی، فقط خاص مردم نبود؛ بلکه دولت مرکزی نیز به فعالیت انگلیسی‌ها حساسیت خاصی داشت؛ تاجایی که شهربانی شیراز در سال ۱۳۷۲/م ۱۹۵۳ ق تصمیم گرفت دکتر کلمن و کشیش شارپ را از شیراز اخراج کند. شهربانی معتقد بود این دو نفر، درآمد حاصل از بیمارستان را در راه اهداف سیاسی و تحریک مردم علیه حکومت مرکزی که به دلیل قحطی و کمبود آذوقه و نان اعتراض کرده بودند، هزینه می‌کنند (مرکز اسناد ملی ایران: 293/98/141). شهربانی سرانجام از اخراج دکتر کلمن خودداری کرد. یکی از دلایل این تصمیم، محبوبیت دکتر کلمن نزد افکار عمومی بوده است. البته توانایی بی‌بدیل دکتر کلمن در جراحی عمومی نیز در اخذ تصمیم از سوی شهربانی بی‌تأثیر نبوده است. تبلیغ در بین روستاییان اطراف شیراز نیز، به جز روستای قلات، بی‌نتیجه ماند. هنگامی که مبلغان برای تبلیغ به روستاها می‌رفتند، با دشنام ساکنان مواجه می‌شدند و عشایر و روستاییانی که برای درمان به بیمارستان مرسلین رجوع می‌کردند، اگرچه به قول ویلسون کش به پیام انجیل گوش می‌دادند و جذب مسیحیت می‌شدند، ولی بعد از برگشت، چیزی بیشتر از آنان دیده نمی‌شد. در واقع، ویلسون کش معتقد است که چون در روستاها مبلغی ساکن نبود، روستاییان آنچه را شنیده بودند، فراموش می‌کردند (cash, 1930:23-30) و مشکل نیز همین جا بود؛ هیچ مبلغ و پزشکی حاضر نبود در روستا زندگی کند (Ibid:51).

مانع دیگر مبلغان، به‌ویژه میسیونرهای پزشک، مخالفت حکیمان محلی با فعالیت آنان بود؛ زیرا شغل خود را در خطر می‌دیدند. این مانع، با گذشت زمان و اقبال گسترده مردم به بیمارستان مرسلین، رفع شد (Richards, 1933:43-46).

### نتیجه

صرف نظر از فعالیت میسیونرهای مستقلی مثل هنری مارتین و پیترگوردون در فارس، سیر تبلیغ آیین پروتستان در این استان، به دو دوره قابل تقسیم است: در دوره نخست (۱۹۰۰-۱۹۱۴م/۱۳۱۷-۱۳۳۲ق) به دلیل نامناسب بودن اوضاع سیاسی و فعالیت جاسوسان آلمانی‌ها و فضای ضد انگلیسی، پیشرفت چندانی حاصل نشد و مبلغان مجبور به ترک شیراز شدند. دوره دوم که از ۱۹۲۲م/۱۳۴۰ق تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت، مهم‌ترین دوره در تاریخ تبلیغ آیین پروتستان در شیراز است. در این دوره، با توجه به تغییر رویکرد انجمن در تبلیغ پروتستان، سه شیوه عملیاتی شد. شیوه نخست، یعنی تأسیس مراکز درمانی، به‌خصوص بیمارستان مرسلین، بیشترین شانس تبلیغ را در اختیار مبلغان قرار داد تا روزانه با افراد زیادی در ارتباط باشند و به صورت غیرمستقیم آنان را به کیش مسیحیت دعوت کنند. به استثنای تعداد انگشت‌شماری از پرسنل ایرانی شاغل در بیمارستان که متمایل به دین مسیح شدند، مبلغان در جذب بیماران و همراهان آنان توفیقی به دست نیاوردند. اصلی‌ترین دلیل این ناکامی، عدم ارتباط مستمر بین مبلغان از یک طرف، و بیماران و همراهان آنان از طرف دیگر بوده است. البته ساختار مذهبی شیراز و حاکمیت غالب دین اسلام و وجود اماکن مذهبی خاص مثل حرم احمدبن موسی (ع) و علی‌بن حمزه (ع)، در تحکیم اعتقادات دینی ساکنان این شهر تأثیر فراوان داشته و مانع اصلی در تغییر نگرش دینی مردم بوده است.

شیوه دوم، یعنی تأسیس دبیرستان مهرآیین و تلاش برای تبلیغ پروتستان در بین دانش‌آموزان نیز برای مبلغان، به‌خصوص الا جرارد ثمری نداشت؛ زیرا از همان ابتدا در کادر آموزشی دبیرستان ایرانیانی مسلمان قرار گرفتند که الا جرارد به‌راحتی نمی‌توانست تبلیغ مسیحیت کند و دیگر اینکه وزارت معارف نیز نظارتی خاص بر مدارس خارجی در ایران و از جمله در شیراز داشت و حتی ثبت نام فرزندان اتباع ایران در این مدارس را ممنوع کرد و چون بیشتر کارکنان مهرآیین ایرانی و شیرازی بودند، بعد از این ممنوعیت در سال ۱۹۳۲م/۱۳۵۰ق امکان فعالیت پیدا کردند و چنان‌که اشاره شد حضور همین کارکنان مسلمان و ایرانی، مانع عمده رئیس دبیرستان در تبلیغ مسیحیت بوده است.

در خصوص سومین شیوه تبلیغ، یعنی تأسیس کلیسا در شیراز باید بر این نکته تأکید کرد که زمینه تأسیس کلیسا در عصر پهلوی اول فراهم شد. در آن عصر، تأسیس کلیسا به جهت افزایش

تعداد معتقدان به آیین پروتستان و گرایش شیرازی‌ها به دین مسیحیت نبود؛ بلکه به دلیل رویکردی بود که پهلوی اول نسبت به فعالیت سایر ادیان در کشور داشت. در واقع، تأسیس کلیسا در داخل حیط بیمارستان، در راستای هدفی بود که میسیونرهای پزشک و پرستاران مبلغ دنبال می‌کردند. تأسیس کلیسا نیز نتیجه‌ای در جذب به مسیحیت نداشت؛ زیرا به دلیل ساختار دینی شهر، امکان تبلیغ مستقیم در کلیسا وجود نداشت و آن مکان صرفاً محل عبادت پرسنل مسیحی بیمارستان بوده است.

در پایان، باید به یک نکته مهم نیز توجه داشت و آن اینکه تأسیس پایگاه دائمی انجمن تبلیغی کلیسا در شیراز و انتخاب این شهر جهت تبلیغ آیین پروتستان، در راستای تأمین منافع سیاسی و اقتصادی دولت بریتانیا بوده است. تقسیم حوزه تبلیغی بین انگلیسی و آمریکایی، ارتباط کشیش لیتون و دکتر کار با سران عشایر، به‌خصوص صولت الدوله قشقایی در قبل از جنگ جهانی اول، ارتباط شبانه کشیش‌ها و پزشکان بیمارستان مرسلین با عوامل وابسته به دولت انگلستان مثل خاندان قوام در شیراز در قبل از کودتای ۱۹ اگوست ۱۹۵۳ م/ ۸ ذی‌الحجه ۱۳۷۲ ق، ارتباطات مدیر دبیرستان مهرآیین با شخصیت‌های صاحب‌نفوذ سیاسی فارس که وابستگی آنان به دولت انگلیس آشکار بود، همه بیانگر حرکت مرموزانه مبلغان پروتستان و گام نهادن آنان در راستای تأمین منافع کشور متبوعشان بوده است.

## منابع

## الف. فارسی

- اداره اوقاف و امور خیریه فارس. پرونده شماره ۷۸/ع.
- امداد، حسن. ۱۳۸۵. تاریخ آموزش و پرورش در فارس، شیراز: نوید.
- برومند، صفورا. ۱۳۸۱. پژوهشی بر فعالیت انجمن تبلیغی کلیسا در دوره قاجاریه، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- تدین، پروین دخت. ۱۳۸۴. والیان و استانداران فارس بین دو انقلاب، تهران: امید ایرانیان.
- رایت، دنیس. ۱۳۵۷. انگلیسیان در ایران، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران: دنیا.
- روزنامه صدای شیراز، سال اول، شماره ۴۳، ۱۹ اسفندماه ۱۳۳۰.
- روزنامه پارس، سال چهاردهم، شماره ۱۸۰۵، ۱۸ مهر ۱۳۳۴.
- سامی، علی. ۱۳۶۲. شیراز شهر جاویدان، شیراز: نوید.
- سعیدی سیرجانی، علی اکبر. ۱۳۶۱. وقائع اتفاقیه. تهران: نشر نو.
- فلور، ویلیام. ۱۳۸۵. سلامت مردم در ایران قاجار، بوشهر: دانشگاه علوم پزشکی بوشهر.
- مرادی خلج، مهدی. ۱۳۹۶. شیراز در دوران ملی شدن صنعت نفت، تهران: کویر.
- مرکز اسناد ملی ایران. شماره بازبایی: ۱۴۱/۹۸/۲۹۳:۱۶۰۷۲/۲۹۳.۳۰.
- مصاحبه با افسر امینی نژاد، متولد ۱۳۲۲ش، دبیر آموزش و پرورش، شیراز، آذرماه ۱۳۹۶.
- مصاحبه با خلیل حق نگهدار، متولد ۱۳۱۶ش، دبیر بازنشسته آموزش و پرورش، شیراز، آبانماه ۱۳۹۶.
- مصاحبه با زینت مجاب، متولد ۱۳۰۶ش، رئیس سابق دبیرستان مهرآیین، شیراز، آذرماه ۱۳۹۶.
- مصاحبه با سید مجتبی میردهقان، مسئول اقلیت‌های دینی در اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس، آذرماه ۱۳۹۶.
- مصاحبه با صدیقه مستفیضی، متولد ۱۳۳۹ش، دانش‌آموز دبیرستان مهرآیین، شیراز، آذرماه ۱۳۹۶.

### ۳. مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال ششم، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۷

- مصاحبه با صفیه به آیین، متولد ۱۳۱۴ش، پرستار سابق بیمارستان مرسلین، شیراز، مرداد ۱۳۹۶.
- مصاحبه با عزیزالله پروتا، متولد ۱۳۲۲ش، پرستار سابق بیمارستان مرسلین، شیراز، خرداد ۱۳۹۶.
- مصاحبه با علی اکبر فرمانی، متولد ۱۳۱۷ش، پرستار سابق بیمارستان مرسلین، شیراز، خردادماه ۱۳۹۶.
- مصاحبه با فرخ اقتداری، متولد ۱۳۱۹ش، دانش آموز دبیرستان مهرآیین، شیراز: مهرماه ۱۳۹۶.
- مصاحبه با فصحت، متولد ۱۳۲۷ش، دبیر آموزش و پرورش، شیراز: مهرماه ۱۳۹۶.
- مصاحبه با کامبیز قربان، متولد ۱۳۱۷ش، دانش آموز دبیرستان مهرآیین، شیراز: مهرماه ۱۳۹۶.
- مصاحبه با منیژه توحیدی، متولد ۱۳۲۶ش، پرستار سابق بیمارستان مرسلین، شیراز: تیرماه ۱۳۹۶.
- مصاحبه با مینو پای زرین، متولد ۱۳۲۶ش، پرستار سابق بیمارستان مرسلین، شیراز: تیرماه ۱۳۹۶.
- ویلز. ۱۳۶۸. ایران در یک قرن پیش. ترجمه غلامحسین قراگوزلو، تهران: اقبال.
- همراز، ویدا. ۱۳۹۱. مبلغان مسیحی در ایران از صفویه تا انقلاب اسلامی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

#### ب. لاتین

1. Azizi M, Bahadori M, Raees-Jalali GH.(2009) [ In Commemoration of Haj Mohammad Nemazee (1895 – 1972): The Founder of Nemazee Hospital in Shiraz].Arch Iranian Med. 12 (3): 321 – 324.
2. Bradley,M.(2008). Iran and Christianity: Historical Identity and Present Relevance ,London:Continuum Religious studies.

3. Carr D (1928). *The Mission Hospital, A continuation of Mercy and Truth*. University of Birmingham Library.
4. Cash W(1930). *Persia old and new*. London: Church Missionary Society.
5. *CMS Annual Report, 1922-1961*, Church Missionary Society Archive,Cadbury Research Library: Special Collections, University of Birmingham.
6. *CMS Proceedings, 1900-1921*, Church Missionary Society Archive,Cadbury Research Library: Special Collections, University of Birmingham.
7. *CMS Year Book, 1962-1979*, Church Missionary Society Archive,Cadbury Research Library: Special Collections, University of Birmingham.
8. Ghorban Z (1989). *Medical Education in Shiraz: A Personal memoir*.
9. Heydari A, Lotfi Fatemi N(2015). *Nursing developments in Iran during World Wars I & II: A historical study* Journal of Nursing and Midwifery Sciences. 2(1): 1-8.
10. Laster J (1973). *Christian Hymnody in Iran*.Michigan: University Microfilms International, 1973.
11. Richards J. R (1933). *The Open Road in Persia*. C.M.S. Missionary at Shiraz. London: Church Missionary Society.
12. Richter J (1910). *A History of Protestant Missions in the near east*.London:Edinburgh,1910.

13. Stuart M (n.d). *Doctors in Persia*. London: Church Missionary Society.

14. van Gorder A (1992). *Christianity in Persia and the Status of Non-Muslims in Iran*, New York :Lexington Books: 1992.

15. Waterfield R (1973). *Christians in Persia: Assyrians, Armenians, Roman Catholics and protestants*. London: George Allen &Unwin,1973.